

تجربه؛ چطور و چگونه؟

راهکارهایی برای لمس تجربه‌های مفید و نو

مریم شاه‌پسندی



دبیر
تحریریه

از آنجا که هرکاری اصولی دارد و نباید بدون آگاهی پا در مسیری گذاشت، در این صفحه از فوت‌وفن می‌خواهیم درباره بایدها و نبایدهای تجربه‌کردن در دوران نوجوانی صحبت کنیم. بین خودمان بماند؛ یک سری راهکارهای خوب برای راضی کردن والدین هم در نظر گرفته‌ایم که مطمئناً به کارتان می‌آید.

سفرناشناخته

نمی‌دانم شما هم جمله «می‌خواهم تجربه‌اش کنم» را شنیده‌اید یا خیر؟! این جمله معمولاً زمانی به کار می‌رود که کسی بخواهد کار جدیدی یا اقدامی نو انجام بدهد و تنها انگیزه‌اش، کسب تجربه جدید است. همه اینها در جای خود قابل ستایش است اما یادتان نرود که قرار نیست دل به دریا بزنیم و هرکاری را که تابه‌حال امتحان نکرده‌ایم، با قصد کسب تجربه امتحان کنیم. مشورت‌گرفتن از بزرگ‌ترها، آدم‌هایی که به درایت و بصیرت‌شان اطمینان داریم و آنهایی که مطمئنیم صلاح ما را می‌خواهند، واجب‌ترین کاری است که قبل از انجام تجربه‌های جدید باید انجام دهیم، به خصوص اقداماتی که ریسک بالایی دارند یا در آینده ما تأثیر می‌گذارند. مثلاً اگر شما بخواهید به سفری بروید که نقشه‌راه ندارد، از تابلو و چراغ و راهنما هم خبری نیست، راهی به جز کمک‌گرفتن از مسافران آن راه سراغ دارید؟ تجربه‌کردن هم چیزی شبیه به سفر در این مسیر ناشناخته است.

ریسک یا حماقت؟

آشنایی با آدم‌های جدید، کشف استعدادها و بروز توانایی‌ها و هزاران هزار مصداق دیگر، لازمه‌اش جمع‌آوری تجربه‌های ریزودرشت است. اگر موقعیت خطرناک نبود و به آینده شما لطمه‌ای وارد نمی‌کرد، ترس از نشدن‌ها و شکست‌ها را دور بریزید و به دل کار بزنید. بسیاری از موقعیت‌ها ما را به سمت تجربه‌های جدید سوق می‌دهد و بسیاری از موفقیت‌ها به پشتوانه ریسک‌پذیری اتفاق افتاده است. ریسک‌پذیری دقیقاً همان چیزی است که به شما کمک می‌کند تا بعدها بابت کارهای نکرده خودتان را سرزنش نکنید. البته خیلی مهم است که فرق میان حماقت و ریسک را متوجه شویم. در ضمن هر موضوعی ارزش ریسک‌کردن ندارد و فهم این تفاوت‌ها دقیقاً همان نقطه‌ای است که ما به مشورت نیاز پیدا می‌کنیم؛ همان‌طور که قبل‌تر هم به آن اشاره کردم.

شرح بده، فرار نکن!

خیلی اوقات ترس آدم‌ها از موقعیت‌ها به دلیل ناشناخته‌بودن و

شفاف‌نبودن آن است. اگر می‌خواهید برای انجام کاری از پدر و مادر خود اجازه بگیرید، بهترین کار برای از میان بردن ترس و نگرانی آنها توضیح شفاف و دقیق موقعیتی است که می‌خواهید در آن قرار بگیرید. اگر خدای ناکرده دروغ بگوییم یا موقعیتی را تحریف شده تعریف کنیم، اعتبار و اعتماد مادر چشم آنها خدشه دار می‌شود و برای تجربه‌های بعدی به مشکل می‌خوریم. از طرفی شرح درست موقعیت‌ها به نفع ما هم هست؛ اگر موقعیت خطرناک باشد، آنها ما را نسبت به خطر آگاه می‌کنند یا اگر سودی داشته باشد، ما نسبت به زوایای دیگر آن تجربه آگاهی پیدا می‌کنیم. پس اگر می‌خواهید نظر مثبت والدین را برای کسب تجربه‌های جدید جلب کنید، شرح دقیق موقعیت فراموش‌تان نشود!

نرو، بشین!

جانم برای‌تان

بگوید که هر

تجربه‌ای عاقلانه نیست. قرار نیست به بهانه تجربه‌کردن دکمه عقل و خرد و منطق را خاموش کنیم و هر راهی را در پیش بگیریم تا چه خوش آید! هرگز. همان‌طور که هر موقعیتی ارزش ریسک‌کردن ندارد، هر چیزی هم ارزش تجربه‌کردن ندارد. وقتی تجربه‌ای بار مثبتی به ما و آینده ما اضافه نمی‌کند، به سراغش نرویم. وقتی تجربه‌ای خطرناک است، چه برای جسم ما و چه برای روح ما و امکان آسیب‌دیدن در آن هست، تجربه‌اش نکنیم. از طرفی هرکس باید برای خودش چارچوب و مرزهایی داشته باشد؛ خالق ما این بایدها و نبایدها را تا حد زیادی مشخص کرده است، پس آن چیزی را که او منع کرده، تجربه نکنیم. مطمئناً با از دست دادن آن تجربه، عایدی‌ای را از دست نمی‌دهیم و صدالبته که سود ما در نداشتن آن تجربیات مضر است و شاید این حکمت، سال‌ها بعد برای ما روشن شود.

والدین را دریاب!

بله، بله، می‌دانم.

گاهی اوقات شما

می‌خواهید تجربه به دست بیاورید و والدین اجازه نمی‌دهند. اول از همه این‌که تجربه داریم تا تجربه! در خلوت کلاه‌تان را قاضی کنید و بی‌رودریاستی و جانبداری از خود بپرسید که واقعا آن موقعیتی که برای تجربه‌کردنش چک و چانه می‌زدیم، ارزش داشت؟ واقعا منع خانواده‌ام عایدی‌ای را از من دریغ کرد؟ بعد بپایید اینجا تا چند راهکار خوب برای به دست آوردن دل پدر و مادر به شما بگویم.

راستش را بخواهید اولین راه ارتباط با پدر و مادر این است که بپذیرید آنها دشمن شما نیستند، قرار نیست به کسی که بیشترین مقابله را با آنها می‌کند، جایزه بدهند و از طرفی می‌خواهید سال‌ها در کنارشان باشید و باید پذیرش را بیاموزید. پذیرش را اشتباه نگیرید، پذیرش یعنی قبول این‌که آنها نگران من هستند و من برای به دست آوردن تجربه‌ای باید نگرانی آنها را به رسمیت بشناسم، برطرفش کنم و به آنها اطمینان خاطر بدهم.

کلامت را دریاب!

راهکارهای دیگری هم برای به دست آوردن نظر مثبت خانواده وجود دارد. احتمالاً شنیده‌اید که می‌گویند کلمات بار مثبت و منفی دارند و نوع بیان واژگان و انتخاب آنها خیلی مهم است. پس یادتان باشد که درخواست‌تان را درست ادا کرده، محترمانه برخورد کنید و همان‌طور که قبل‌تر هم گفتیم، با دشمنان خود روبه‌رو نیستید. این‌که بتوانید درخواست خود را طوری بیان کنید که جنجال به پا نشود اما منظور را به درستی برسانید، فارغ از نتیجه قابل تقدیر است. از طرفی اگر آن درخواست بتواند نظر مثبت خانواده را هم جلب کند، به خودی خود یک مهارت است. شاید بپرسید چرا مهارت؟ چون قرار است بعدها در جامعه و محیط‌های مختلف با آدم‌ها تعامل داشته باشید و درخواست‌های ریزودرشت‌تان را ابراز کنید. پس به قول معروف «هر چیزی آدابی دارد».

